

ابزارهای شکوفایی کودک

● سارا دینی

مربی پیش دبستانی و پژوهشگر در حوزه کودک



انس با قرآن و عترت



کلیدواژه‌ها: حس و کلام، خصلت‌های ریشه‌ای، تربیت دینی کودک

اشاره

جا سرچشمه می‌گیرد. براساس فرمایشات مقام معظم رهبری، باید در کودک خصلت‌های ریشه‌ای به وجود آورد؛ از جمله: خردورزی و تفکر، روحیهٔ بردباری و کار جمعی، عشق به یادگیری و مطالعه، خودباوری، تن به کار دادن و همت بلند که ظهور آن در کودک، پرورش انسانی با

برای اینکه بتوان کودکی با شخصیت جامع برای آینده تربیت کرد باید دو توان مهم کودک یعنی حس و کلام را که برای برقراری ارتباط با دنیای اطراف از آن‌ها استفاده می‌کند، به گونه‌ای پرورش داد که خصلت‌های ریشه‌ای در او شکل بگیرند. بی‌شک تربیت دینی کودک نیز از همین

دیدنی همه‌جانبه خواهد بود و اگر با دین توأم باشد، انسانی بالنده را شاهد خواهیم بود.

حس و کلام

کودکان در هفت سال اول زندگی با دو توان مهم حس و کلام با دنیای اطراف ارتباط برقرار می‌کنند. همین دو خصلت شخصیت آن‌ها را شکل خواهند داد. کودکی که در مورد آنچه حس می‌کند تفکر می‌کند و تفکر او در محیطی پاک شکل می‌گیرد، بروزات کلامی او هم طیب خواهند بود.

خصلت‌های ریشه‌ای

یادگرفته‌هایی که کاربردی نیستند یا زود هنگام اتفاق می‌افتند و یا بدون تفکر پذیرفته می‌شوند، در سطح باقی می‌مانند. اطلاعاتی که در کتاب‌های درسی پیش از دبستان وجود دارند، به‌طور عمومی از همین نوع اطلاعات سطحی هستند و کودک بدون اینکه عمق مطالب را بفهمد، فقط اطلاعات بدون کاربرد را انباشته می‌کند. در مقام مثال، بسان چشمه‌ای که باریکه کوچکی را در مسیر ایجاد می‌کند، اما عمق ندارد و با تابش آفتاب سریع هم خشک می‌شود و با گذر زمان شکل خود را از دست می‌دهد و نتیجه‌ای حاصل نمی‌کند و به جایی وصل نمی‌شود. اما مهارت‌هایی که با تمرین و تکرار به دست می‌آیند ماندگاری بیشتری خواهند داشت.

بر اساس فرمایشات مقام معظم رهبری باید در کودکان خصلت‌های ریشه‌ای به‌وجود آورد. این سخن بدین معناست که این خصلت‌ها آموختنی صرف نیستند، بلکه ایجادکردنی هستند و بالطبع زمان‌بر است و به دوره‌ای دوساله ختم نمی‌شود. مواردی که مقام عظمای ولایت مطرح کردند، برای شکل‌گیری شخصیت، لزوماً دینی نیست، اما انسان‌پرور است. البته به‌زعم حقیر، اگر کودک با قرار گرفتن در کنار یک مربی متدین و آگاه و شاد این مسیر را ببیماید، فرمایشات مقام معظم رهبری از نظر دینی هم شکل می‌گیرد و مسلمانان با ابعاد وجودی مطلوب تولید خواهد شد. البته نه در طول یک سال، بلکه با برنامه‌ریزی و پیوسته بودن مطالب آموزشی از پیش دبستان و در امتداد آن دبستان تا دانشگاه مد نظر قرار می‌گیرند. این خصلت‌ها عبارت‌اند از:

۱. خردورزی؛ ۲. خودباوری؛ ۳. بردباری؛ ۴. روحیه همکاری؛ ۵. عادت به مطالعه؛ ۶. همت بلند (میزان انسانیت انسان به اندازه همت اوست)؛ ۷. امید به آینده؛ ۸. شوق به یادگیری؛ ۹. تن به کار دادن.

در اینجا پیشنهادهایی را برای به‌اجرا رساندن منویات رهبری مطرح می‌کنیم:

۱. استفاده از قصه

قصه‌ها و مثل‌ها ابعادی دارند که تفکر کودک را فعال می‌کنند و اگر پایان آن‌ها باز گذاشته شود، یا موقعیت‌های عینی روی صفحه ذهن کودک به چالش کشیده شوند، او حکمت‌های درون داستان را می‌فهمد. این همان خردورزی است. کودک از طریق هم‌ذات‌پنداری و پیدا کردن جواب، حلاوت تفکر را می‌چشد و شوق او به شنیدن داستان و مطالعه زیاد خواهد شد. همچنین، نیروی تفکر و تعقل پرورش خواهد یافت. البته یکی از راه‌های پرورش تعقل، شنیدن و فهمیدن حکمت‌های داستان و عوامل دیگری چون بازی و تجربه بازی‌های دیگر است. کودک از طریق قصه حتی ادب‌ورزی را هم یاد می‌گیرد. در زمان **ابن سینا** مکتب‌های ادب و قرآن وجود داشتند که کودکان تا ده‌سالگی در آن‌ها تحصیل می‌کردند و روش‌های ادب‌آموزی را از طریق قصه می‌آموختند و تلفیق آزادبودن در طبیعت با شنیدن حکمت‌ها و همراهی قرآن، دانشمندی چون ابن سینا را بار می‌آورد. البته قصه‌های کهن و فاخر مملو از اطلاعات طبیعی و ادبی هستند و برای پرورش ابعاد فکری کودک بسیار مؤثرند.

۲. شناخت احساسات

کودک احساساتی لطیف و ساده دارد؛ احساساتی که به‌راحتی بروز می‌دهد، اما از علت و چگونگی آن‌ها اطلاع ندارد. کودکی که بشناسد چرا شاد است یا چرا غمگین، یا چگونه از موقعیت عصبانیت دوری کند و بداند با ناکامی‌هایش چگونه برخورد کند، روحیه بردباری و حل مسئله در او ایجاد می‌شود. به این منظور کودک باید در موقعیت‌های چالش برانگیز قرار گیرد تا بتواند احساسات منفی خود را کنترل و برای آن‌ها راه حل پیدا کند؛ چه بسا در بازی‌های کودکانه جمعی چنین موقعیت‌هایی پیش می‌آیند. در اینجا مربی ایفای نقش می‌کند و از شرایط پیش‌آمده برای نیل به هدف که شناخت احساسات و نحوه مواجهه با آن است، بهره می‌برد. البته به‌شرطی که خود مربی روحیه حل بحران داشته باشد.

۳. طبیعت و فطرت

اگر کودک با طبیعت ارتباط مؤثر داشته باشد و هر پدیده جالبی را عمیق در اندازه فهم خود بشکافد، از شوق یادگیری لبریز می‌شود. متأسفانه کودکان امروز از طبیعت فقط پارک را می‌شناسند و از سایر پدیده‌ها همان اطلاعات سطحی درون کتاب‌ها را می‌دانند. اگر کودک یاد بگیرد هر آنچه در طبیعت

وجود خودش و در اطرافش هست، چه کار کردی دارد و به صورت ملموس آن را درک کند، بر قدرت تفکر و تحلیل او افزوده می شود و از خالق هستی سپاسگزار می شود.

۴. حل مسئله

باید برای کودک بن بست‌های کوچک و موقعیت‌های چالش برانگیز مصنوعی ایجاد کرد تا بتواند آن‌ها را حل کند. با حل مسئله روحیه امید به آینده در او به وجود می آید، چرا که می تواند بفهمد هر گرهی به تلاش و کوشش بازشدنی است.

۵. طراحی ساخت و ساز

درست کردن کاردستی تنها بخشی از ساخت عملی است. می شود کارهایی تعریف کرد که ساخت آن‌ها گروهی باشد و چه بسا اتمام آن‌ها یک یا چند هفته طول بکشد. این یعنی تقویت صبر و بردباری عملی و کار کشیدن از بدن. بدنی که به کار کردن عادت کند، تنبلی به خود راه نمی دهد و به محض بی کاری، کاری برای خود خلق می کند. ساختن همراه هم بازی یکی از لذت بخش ترین کارهای کودکی است. کودکان در ساخت و ساز، مدیریت مواد، زمان و هم بازی هایشان را یاد می گیرند و با دیدن نتیجه تلاش جمعی، شوقی و صفناپذیر را تجربه می کنند.

همه موارد پیشنهادی برای تقویت حس و تجربه های مفید و عملی، به منظور تقویت حس و کلام و تفکر پشت کلام است که خود به خود مسئولیت پذیری را نیز در کودکان تقویت می کند. در واقع، صرفاً نباید به آموزش کلاسی و کتابی بسنده کرد و همه اطلاعات کودک را با کتاب‌ها و تصویرهای به هم وصل کن، ببر و یا رنگ کن، سنجید.

بحث آخر

پیش از این گفته شد، اگر مربی متدین و آگاه همراه کودک باشد، از هر فرصتی استفاده می کند تا جنبه دینی و خدایی به اعمال کودک بدهد. اما گاهی اطلاعاتی بیش از حد نیاز کودک به او داده می شود که نه تنها مفید نیستند، بلکه زائدند. در موضوع دین نباید پیش افتاد و نباید عقب افتاد؛ به خصوص در مورد کودک قطعاً باید تدریج را رعایت کرد و از کودک بیش از حد توان و فهم او انتظار نداشت. طبق فرمایش ائمه، تربیت دینی به عهده خانواده است و خانواده نقش اصلی را دارد. کودک در خانه و در مشکلات، می بیند پدر و مادر به خدا توسل می کنند و توکلشان به معبود است. یا نماز اول وقت و سایر شئون اسلامی را رعایت می کنند یا نه. مربی نقش مکمل را دارد. اگر مربی به عنوان مکمل تربیتی و الگوی بیرون

از خانه، با بلند شدن صدای اذان، صحنه بازی و فعالیت را ترک کند و خود را برای نماز مهیا کند، و اگر این سنت هر روزه مربی باشد، به صورت ناخود آگاه آموزش هم داده است؛ طوری که کودک اذان را آموخته، ارکان نماز را یاد گرفته و فرایند وضو را دیده است. یا اگر در بازی‌ها، به جای شمارش، از آیات سوره‌های کوچک قرآن استفاده شود، بدون اینکه کتابی برای قرائت باشد، انس با قرآن اتفاق افتاده است. اگر به مناسبت ولادت هر یک از ائمه، کارگاه جشن و شناختی برگزار شود که قسمت عمده آن بازی و شادی و شنیدن یک قصه از زندگی مولود آن روز و گرفتن هدیه باشد، با این کار به صورت غیر مستقیم حب اهل بیت در دل کودک ایجاد می شود. آینده معنوی او تحت تأثیر قرار می گیرد و خاطرات خوب روز عید همیشه برای او لذت بخش خواهد بود (هل الدین الا حب).

وقتی حب ایجاد شد، انگیزه برای یادگیری سایر مفاهیم دینی رشد می کند و یا اگر مطلبی دینی عرضه شد، با جان و دل پذیرا می شود. مرحوم آیت الله **حائری شیرازی** در تمثیلات خود فرموده اند: «حرفی که به کسی یا فرزندت می زنی، دانه است و فکر او زمین، بیین در این زمین چقدر بذر می توان پاشید؟» اگر در یک متر زمین یک کیلو گندم پاشیدی، همه دانه‌ها سبز نمی شوند؛ تازه اگر هم در بیابان، همدیگر را خفه می کنند. موعظه زیاد باعث می شود حرف‌ها همدیگر را له کنند و بپوشانند.»

باید گفت، پنج و شش سالگی فقط یک سال از زندگی کودک است. سال‌های یادگیری طولانی هستند، اما اگر همه چیز به صورت تدریجی و نرم، در مغز کودک با آگاهی عملی انباشته شود و اندک باشد، بهتر از اطلاعات وسیع از همه چیز اما بی خاصیت است. یادگیری زیر سن هفت سال باید پویا و با زندگی فکری و عملی کودک عجین باشد و سواد کودک با تجربه توأم شود. حتی در سنین بالاتر هم باید چنین باشد.

پی نوشت‌ها

۱. بیانات مقام معظم رهبری ۱۴/۷/۲۰